

صبح که زهرا به سراغ کارنامه می‌رود امضای پدر را بالای کارنامه اش می‌بیند.



آن زمان آیت ا... خزعلی که عضو شورای نگهبان بود نیز این امضا را تأیید کرد و حتی این امضا برای بررسی بیشتر به آلمان هم ارسال شد اما کارشناسان آلمانی نتوانستند جنس رنگ این امضا را تشخیص بدهند.

پیکری که ۱۶ سال بعد سالم از راه رسید

«محمد رضا شفیعی» شهید بعدی است که بر سر مزارش حاضر می‌شویم. این هم وطن شهید که چهارم دی ماه سال ۶۵ و در سن ۱۹ سالگی به اسارت نیروهای رژیم صدام در آمد ۱۰ روز بعد در حالی که به شدت مجروح و تشنه بود به شهادت رسید و پیکرش را در مقبره‌ای بین کاظمین و بغداد به خاک سپردند. اما قسمت این بود که پیکرش ۱۶ سال بعد و در ۱۴ مرداد سال ۸۱ به سلامت به کشور بازگردد و در خاک میهن به خاک سپرده شود.

احمد در این مورد می‌گوید: بعد از آنکه پیکرش را به خاک سپردند به خانواده خبر شهادتش را دادند. مادرش همان زمان راهی عراق شد و سر قبر پسرش گفت محمد رضا تو باید به ایران برگردی. سال‌ها گذشت و ایادی رژیم صدام اقدام به تخریب آن مقبره کردند اما در نهایت حیرت با جنازه سالم محمد رضا مواجه شدند. پس از همفکری فراوان به این نتیجه رسیدند که اگر جسد این شهید بزرگوار به همین ترتیب به ایران برگردد، دلیل بر حقانیت ایرانی‌ها خواهد بود، بنابراین سه ماه جسد را زیر آفتاب گذاشتند و مقدار زیادی اسید روی جسد ریختند اما در نهایت به لطف الهی جسد محمد رضا سالم ماند. روزی که قرار بود پیکرش را به ایران تحویل بدهند، افسر عراقی مسئول این کار، به بچه‌های سپاه گفته بود «ما چه اولیایی از شما را کشتیم و خودمان نفهمیدیم» شب قبل از تحویل جسد به خانواده، مادر این شهید بزرگوار پدر محمد رضا را در خواب می‌بیند که به او می‌گوید فردا امانتی ات از راه می‌رسد. روز تحویل پیکر پاک شهید که بچه‌های سپاه برای اعلام تحویل پیکر او به خانه محمد رضا رفته بودند، مادر از آمدن پیکر فرزندش خبر داشت.

شاه بیت شهدای افغانستان

بعد از قریب به دو ساعت حضور بر سر مزار، حالا آفتاب به انتهایی‌ترین چشم انداز خود رسیده و چتر آسمان آرام آرام در تکاپوی استقبال از مغرب است. صدای دعا و مناجات از گوشه و کنار گلزار بیشتر شده، جماعت زائران قبور نیز در حال افزایش است و بازار پخش نذری‌ها هم داغ تر شده است.

احمد می‌گوید: اگر موافق هستید برویم سر قبری که شاه بیت شهدای افغانی در این گلزار است. اشتیاقم را که می‌بیند به راه می‌افتم بر سر مزاری که درون خود سه شهید بزرگوار افغانی را یک جا به ودیعه گرفته است؛ شهید «مرتضی غلامعلی»، شهید «سید محمد تقی حسینی» و شهید «احمد علیرضایی». خوب به چشمانم نگاه می‌کند. ناگفته پیداست از آنچه در ذهن دارم به خوبی با خبر است. لیخندی می‌زند و می‌گوید: خرمشهر که آزاد شد بمب‌ها و مین‌های خنثی نشده زیادی در شهر وجود داشت که ممکن بود در روند آغاز پیشروی ما در جنگ مشکلات زیادی ایجاد کند. برای همین چند تیم مأمور خنثی سازی و انتقال باقی مانده این بمب‌ها، موشک‌ها و مین‌ها به محلی مشخص شدند. در این میان سه تن از رزمنده‌های افغانستانی وظیفه

خنثی سازی بخشی از سلاح‌های مخرب را بر عهده گرفتند. مرتضی غلامعلی، سید محمد تقی حسینی و احمد علیرضایی داوطلبانه برای این مسئله پای کار آمدند. آنها مواد منفجره به جا مانده را خنثی کرده و به داخل کانالی منتقل می‌کردند. در یکی از همین روزها که مشغول انتقال چند مین به داخل کانال بودند یکی از مین‌ها عمل کرد و انفجار مهیبی اتفاق افتاد.

احمد نگاهی به سنگ قبر مشترک سه رزمنده افغانستانی می‌اندازد و ادامه می‌دهد: هر سه نفر شهید شدند اما تمام باقی مانده سه جسد حتی به اندازه یک جسد هم نشد، این بود که مسئولان از خانواده این سه شهید که در میان شان خانواده سید محمد تقی حسینی در مشهد و خانواده دو شهید دیگر در قم بود خواستند با توجه به عدم شناسایی بقایای این اجساد، اجازه بدهند باقی مانده اجساد در یک قبر به خاک سپرده شود و با موافقت هر سه خانواده، تنها قبر ۸ سال دفاع مقدس که سه شهید را در دل خود جای داده، مزین به نام این سه مجاهد افغانستانی شد.

اعتراف می‌کنم که شنیدن قصه، من و عکاس روزنامه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

در حالی از احمد آل علی خداحافظی کرده و بیرون می‌آیم که هنوز درگیر موضوع این مزار خاص و ویژه هستیم. در سراسر کشورمان، مزار ۲ هزار شهید گلگون کفن افغانستانی وجود دارد که ندای قدسی حضرت روح ا... را به گوش جان شنیدند و برای آزادی و استقلال کشور دوست و همسایه ایران، جان خود را هدیه کردند.

از امامزاده که خارج می‌شویم بانگ اذان مغرب به افاق قم شنیده می‌شود. در اولین تاکسی را که مقابل مان توقف می‌کند برای خواندن نماز و زیارت در مسجد جمکران باز می‌کنیم...



... هر سه نفر شهید شدند اما تمام باقی مانده سه جسد حتی به اندازه یک جسد هم نشد. با توجه به عدم شناسایی بقایای این اجساد، قرار شد باقی مانده پیکرها در یک قبر به خاک سپرده شود و با موافقت هر سه خانواده، تنها قبر ۸ سال دفاع مقدس که سه شهید را در دل خود جای داده، مزین به نام این سه مجاهد افغانستانی شد